

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: هوادار پورتال

۱۱ دسمبر ۲۰۱۱

نه به جنگ و جنگ افروزان! و نه به مرتجعین و استثمارگران!

مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی با بحران فوق‌العاده شدیدی روبرو گشته و رژیم از هر سو در معرض فشارهای شدید و کم سابقه سیاسی و اقتصادی خارجی قرار گرفته است. گرچه مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی، به ویژه مناسبات آن با آمریکا در هیچ لحظه‌ای بی بحران و تنش نبوده است، اما از لحظه‌ای که دولت آمریکا پرونده جدیدی به نام پرونده ترور سفیر عربستان سعودی را علیه جمهوری اسلامی گشود، این بحران وارد فاز جدیدی شد و در فاصله‌ای کمتر از دو ماه، دامنه تنش و اختلاف به حدی گسترش یافته که در طول تمام سه دهه گذشته سابقه نداشته است. باحمله برنامه ریزی شده به سفارت انگلیس در تهران روز هشتم آذر [قوس]، اشغال و غارت وسائل و مدارک آن توسط عده ای که شعار "علمدار ولایت- بسیجیان فدایت" و مرگ بر انگلیس و مرگ بر آمریکا سر داده بودند و نیز حمله به باغ قلهک که گفته می شود اقامتگاه دیپلمات های انگلیسی است، مناسبات بین المللی جمهوری اسلامی و از جمله مناسبات آن با دولت انگلستان، به کلی تیره و تار و تنش های فی مابین فوق العاده حاد و شدید شده است. وقتی که قطعنامه پیشنهادی عربستان سعودی پیرامون طرح ترور سفیر این کشور که در آن بر دخالت و دست داشتن جمهوری اسلامی در این طرح اشاره شده است در تاریخ ۱۸ نومبر (۲۷ آبان [عقرب]) با اکثریت آراء، در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، دیگر هیچ گونه جای تردیدی حتما برای رژیم جمهوری اسلامی باقی نماند که دولت آمریکا و متحدان اروپائی و منطقه‌ئی آن، در تدارک اقدامات شدیدتر و جدیدتری علیه جمهوری اسلامی بر آمده اند. در میان کشورهای عضو که در این رأی گیری شرکت داشتند، ۱۰۶ کشور به قطعنامه رأی مثبت، ۹ کشور رأی منفی دادند (ایران، ارمنستان، کوریای شمالی، بولیوی، کوبا، اکوادور، نیکاراگوئه، ونزوئلا و زامبیا) و ۴۰ کشور در رأی گیری شرکت نکردند. در قطعنامه سازمان ملل، بر ضرورت اقدام هماهنگ بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی تأکید و از ایران خواسته شده است به تمامی تعهدات خود و در تحت قوانین بین‌المللی عمل

کند و با کشورهایی که قصد محاکمه طراحان، حامیان، سازمان دهندگان و تلاش کنندگان اجرای این طرح را دارند، همکاری نماید.

گرچه همین قطعنامه به تنهایی، گویای پدیدارشدن تقابل عمیق جدیدی در مناسبات خارجی جمهوری اسلامی بود، اما این یگانه قطعنامه‌ای نبود که در ۲۷ آبان [عقرب] علیه جمهوری اسلامی صادر شد. برپایه گزارش یوکی آمانو مدیر کل آژانس انرژی اتمی که قبلاً انتشار یافته بود و در آن به فعالیت‌های جمهوری اسلامی برای ساختن سلاح هسته‌ای و تحقیقات مرتبط با ساخت مخفیانه جنگ افزار هسته‌ای اشاره شده بود، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز قطعنامه‌ای را در همان روز علیه ایران صادر نمود. در این قطعنامه که با ۳۲ رأی مثبت در برابر دورای منفی (کوبا و اکوادور) و یک رأی ممتنع (اندونزی) به تصویب رسید و برخلاف تصور جمهوری اسلامی، روسیه و چین نیز به آن رأی مثبت داده بودند، ضمن اشاره به عدم همکاری کامل جمهوری اسلامی با آژانس و ابعاد نظامی برنامه اتمی جمهوری اسلامی، از ایران خواسته شده است به پای میز مذاکره برگردد. در این قطعنامه صریحاً به این موضوع نیز اشاره شده است که جمهوری اسلامی قوانین بین‌المللی را نقض نموده و "صلح و امنیت جهانی" را به خطر افکنده است!

با صدور این قطعنامه که انعکاس تشدید بیش از پیش تنش میان جمهوری اسلامی با امریکا و متحدین وی بود، مسیر اتخاذ راه و روش‌های حادثتر، مؤثرتر و تهدیدات جدی‌تری علیه جمهوری اسلامی برای تسلیم آن هموارتر گردید. هنوز دو روز از تصویب دو قطعنامه در یک روز علیه جمهوری اسلامی نگذشته بود که این قطعنامه‌ها و فشارها، با صدور قطعنامه سومی در مورد نقض حقوق بشر در ایران تکمیل گردید. قطعنامه سالانه سازمان ملل در زمینه نقش حقوق بشر در ایران که در تاریخ ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان) به تصویب رسید، این بار با رکورد جدیدی از آراء موافقین روبرو گردید. در این قطعنامه، جمهوری اسلامی به خاطر اعمال شکنجه و خشونت و رفتارهای غیر انسانی برای بیست و چهارمین بار محکوم شده است و از ۱۹۳ عضو حاضر، ۸۶ کشور به آن رأی موافق دادند که نسبت به سال گذشته ۶ رأی بیشتر شده است. ۳۲ کشور به آن رأی مخالف دادند که نسبت به سال گذشته ۸ رأی کاهش یافته است و ۵۹ کشور نیز به آن رأی ممتنع دادند. در قطعنامه سازمان ملل از اعدام‌ها، شلاق زدن، قطع عضو و امثال آن انتقاد و صریحاً گفته شده است که در ظرف یک سال گذشته وضعیت نقض حقوق بشر در ایران به مراتب وخیم‌تر شده است.

تصویب سه قطعنامه با لحن تند و تهدیدآمیز علیه جمهوری اسلامی در ظرف سه روز در نهادهای بین‌المللی که در آن‌ها بر فعالیت‌های تروریستی، فعالیت‌های مشکوک اتمی و نقض گسترده حقوق انسانی و مدنی در ایران تأکید شده است، به روشنی نشان داد که دولت امریکا و متحدین آن دیگر نمی‌خواهند صرفاً به روش‌ها و بحث‌های پیشین خود که از مدت‌ها قبل بی ثمر بودن آن به اثبات رسیده بود، با جمهوری اسلامی کلنجار بروند. این دولت‌ها و در رأس آن امریکا بر آن شده‌اند تا از حدود و روش‌ها و فشارهای تاکنونی خود فراتر رفته و به هر نحوی که شده جمهوری اسلامی را به تسلیم نهایی بکشانند و یا با آن تعیین تکلیف نمایند، خصوصاً آنکه بر متن تحولات و اوضاع ناآرام و متحول منطقه و سقوط پی در پی دیکتاتورها، زمینه تشدید این فشارها و تعرضات نیز فراهم تر گشته است.

با صدور این قطعنامه‌های سه گانه، دولت امریکا و متحدین آن که از قبل خود را برای موج جدیدی از اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی بیشتر آماده نموده و قسماً با هم توافق کرده بودند، با استقبال از این قطعنامه‌ها و تأکید مجدد بر مفاد آن از ضرورت تحریم‌های "جدی" و "فلج کننده" علیه ایران سخن به میان آوردند. روز دوشنبه ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان)، ویلیام هگ وزیر امور خارجه بریتانیا اعلام کرد، بریتانیا بانک مرکزی ایران را تحریم نموده و

مبادلات تمام نهادهای مالی این کشور با سیستم بانکی ایران قطع خواهد شد. جرج آبورن، وزیر دارایی بریتانیا از اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران خبر داد که به خاطر افزایش نگرانی از برنامه اتمی جمهوری اسلامی اتخاذ شده است. ساعاتی بعد، دولت کانادا تحریم همه جانبه مبادلات مالی و بانک مرکزی ایران را اعلام کرد. علاوه بر آن تحریم‌های کانادا شامل صدور کالا برای صنایع پتروشیمی و انرژی نیز می‌شود. وزارت خارجه کانادا در بیانیه‌ای که به این مناسبت انتشار داد نوشت؛ نظام فعلی حاکم بر ایران از بزرگترین و خطرناکترین تهدیدهای صلح و امنیت جهانی است و کانادا آماده اتخاذ تصمیم‌های جدی‌تر در مواجهه با ایران و پرونده اتمی این کشور است!

در آمریکا نیز که تحریم بانک مرکزی ایران از سوی اکثریت مجلس سنای این کشور قبلاً مطرح گشته بود، باردیگر با رأی مثبت ۹۲ نفر از مجموع ۱۰۰ عضو این مجلس از هر دو حزب دمکرات و جمهوری خواه مطرح شده است. دولت آمریکا تحریم‌های جدیدی را علیه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی اعلام کرد. وزارت امور خارجه آمریکا، شرکت‌های "پاسپارت"، "فولمن گروپ" و "نورافزاکستر" را به عنوان شرکت‌هایی که درگیر اقدامات غیر قانونی بوده و در زمینه تولید سانتریفیوژ و راکتور آب سنگین، فعالیت داشته اند، همه را در لیست تحریم قرار داده است. برپایه متن انتشار یافته وزارت خارجه آمریکا، هرگونه فروش، اجاره، تأمین کالا، ارائه خدمات فنی و پشتیبانی به ایران، می‌تواند باعث اعمال تحریم از سوی آمریکا شود. هرگونه مبادلات تجاری به ارزش بیش از یک میلیون دلار یا گروهی از معاملات مالی از سوی اشخاص، که در طول ۱۲ ماه، مجموعاً بیش از یک میلیون دلار آمریکا ارزش داشته باشد، شامل تحریم خواهد شد. وزارت خزانه داری آمریکا نیز شرکت‌های "نکانوین"، "پرتو صنعت"، "پایاپرتو"، "سیماتیک" و "شرکت فن آوری سانتریفیوژ ایران" را تحریم نموده است. باراک اوباما همزمان با اعلام تحریم‌ها، جمهوری اسلامی و بانک مرکزی آن را به عنوان یکی از دست اندرکاران اصلی پول‌شویی در جهان نام برد. وی گفت ایران مسیر انزوای بین‌المللی را انتخاب کرده است و تا وقتی که در این مسیر گام بر می‌دارد، آمریکا نیز همسو با متحدان خود از طریق اقدامات لازم، راه‌های تازه‌ای برای منزوی کردن و توقف اقدامات غیر قانونی جمهوری اسلامی خواهد یافت! علاوه بر آمریکا و کانادا، برخی از کشورهای اروپایی مانند ایتالیا و هلند نیز قسمی از این تحریم‌ها حمایت کرده و به آن پیوستند. سارکوزی رئیس جمهور فرانسه، در نامه‌ای خطاب به کشورهای عضو اتحادیه اروپا، کانادا و ژاپن، پیشنهاد نموده است خرید نفت از جمهوری اسلامی را تحریم کنند و دارایی‌های بانک مرکزی ایران را مسدود سازند. برنارد والرو سخنگوی وزارت خارجه فرانسه، روز پنجشنبه ۲۴ نومبر (۳ آذر [قوس]) خرید نفت از ایران را تحریم کرد. این تحریم‌های جدید بی سابقه و فلج کننده که آمریکا، کانادا، انگلیس، فرانسه و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بر آن تأکید و از آن حمایت می‌کنند، قرار است در نشست روز اول دسمبر وزاری خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا که در بروکسل برگزار می‌شود، مورد بررسی دقیق‌تر واقع گردد و به احتمال زیاد مورد تأیید تمام اعضای این اتحادیه قرار خواهد گرفت.

روسیه (و چین نیز) اگر چه نسبت به این تحریم‌ها روی خوش نشان نداده و آن را خارج از چارچوب‌های حل مسائل مربوط به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌داند و معتقد است این تحریم‌ها کمکی به افزایش آمادگی ایران برای نشست‌ها در پشت میز مذاکره نخواهد کرد و حتی به از سرگیری مذاکرات زیان می‌رساند، اما عملاً در برابر این تحریم‌ها و تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی بر جمهوری اسلامی مانعی نیستند و نمی‌توانند باشند.

اما رژیم جمهوری اسلامی که موقعیت و حیات آن بیش از هر زمانی در معرض خطر قرار گرفته است، اگر چه در عمق وجود خود از این تحریم‌ها و یا اقدامات حادثه‌تر دولت آمریکا و متحدین آن به شدت هراسناک و گیج شده است، ولی در ظاهر امر، بهائی به این تحریم‌ها نمی‌دهد، آن را صرفاً "تبلیغات" و "جنگ روانی" و بی اثر در تصمیمات

خود می‌داند و عجلتاً حاضر به هیچ‌گونه عقب‌نشینی نیست. در حالی که احمدی نژاد که البته دیگر کسی او و حرف‌هایش را جدی نمی‌گیرد، حجم مبادلات رژیم با اروپا را در مقایسه با کل مبادلات جمهوری اسلامی ناچیز و بی‌اهمیت می‌شمارد، در عین حال اعلام کرده است که ایران حاضر به گفت و گو و همکاری و تعامل است! اما خامنه‌ای که در سخنان روز یکشنبه ۵ آذر خود ادعا نمود که مردم مصر و تونس و نیویورک و کالیفرنیا، شعارهای وی را تکرار می‌کنند و حزب الله و حماس و جهاداسلامی را الگوی خود قرار داده‌اند، مطلقاً اشاره‌ای به این رویدادها و تحریم‌ها نکرد و با سکوت معنی داری از کنار آن گذشت.

بنا بر این روشن است که جمهوری اسلامی لااقل در لحظه فعلی قصد عقب‌نشینی ندارد. جمهوری اسلامی به فرض آن که تن به مذاکره هم بدهد، اما بسیار بعید است آنگونه که طرف مقابل آن می‌خواهد، عقب‌بنشیند! این موضوع کاملاً روشن است که اگر تحریم‌های یاد شده اجرائی شوند، به ویژه اگر خرید نفت ایران تحریم شود، جمهوری اسلامی که تمام دستگاه دولتی و سرکوب آن از جمله ارتش و سپاه از محل درآمد نفت ارتزاق می‌کنند، فلج خواهد شد. اگر چه فقط حدود ۱۸ درصد نفت ایران به کشورهای اروپایی صادر می‌شود و بخش اعظم نفت ایران (۵۹ درصد) به کشورهای آسیایی مانند چین (۲۲ درصد)، جاپان (۱۴ درصد)، هند (۱۳ درصد) و کوریای جنوبی (۱۰ درصد) فروخته می‌شود، باین وجود اولاً همین کاهش ۱۸ درصدی درآمد نفت، ضربه سنگینی بر جمهوری اسلامی و اقتصاد ورشکسته آن وارد خواهد ساخت. ثانیاً با تحریم‌های جدید، شرکت‌های بزرگ حمل و نقل نیز با موانع و محدودیت‌های عدیده‌ای مواجه گشته و حمل و نقل نفت ایران و در نتیجه فروش آن نیز با مشکلات جدی روبرو خواهد شد. ثالثاً احتمال این که کشورهای نظیر کوریای جنوبی، جاپان، هند و در مرحله بعدی حتی چین نیز تحت فشارهای دولت امریکا و اتحادیه اروپا به تحریم خرید نفت و تحریم بانک مرکزی آن بیبوند، زیاد است. رابعاً چنانچه حتی این کشورها نیز طی یک پروسه سریع به تحریم خرید نفت نپیوندند و کم‌وبیش به خرید نفت از جمهوری اسلامی ادامه دهند، اما به خاطر تحریم بانک مرکزی و تحریم داد و ستد مالی امریکا و اتحادیه اروپا، جمهوری اسلامی با مشکلات جدی در زمینه دریافت پول نفتی که به این کشورها فروخته است مواجه خواهد شد.

از آنجا که عملی شدن این تحریم‌ها در این ابعاد، خصوصاً تحریم خرید نفت ایران، بی‌تردید عوارض و زیان‌های متعددی را نیز برای کشورهای تحریم‌کننده به دنبال خواهد داشت، لذا نمی‌تواند به فوریت و به طور کامل اجرائی شود. از اینرو، کشورهای تحریم‌کننده، در جست و جوی راه‌هایی هستند که بتوانند جلوی این عوارض و زیان‌ها را بگیرند و یا از کمیت و کیفیت آن بکاهند. دولت امریکا و اتحادیه اروپا اما مقدمات این تحریم‌ها را فراهم می‌سازند. تحریم‌های جدید ممکن است در کوتاه مدت زیان‌هایی نیز برای تحریم‌کنندگان در پی داشته باشد، اما این زیان‌ها، به هیچ وجه با زیان‌هایی که جمهوری اسلامی با آن روبرو خواهد شد قابل قیاس نیست. خسارت‌های ناشی از این تحریم‌ها برای جمهوری اسلامی فوق‌العاده زیاد و به طور کلی جبران‌ناپذیر است به نحوی که می‌تواند تمام سیستم حاکم را فلج سازد.

هیچ نشان و چشم‌اندازی نیز مبنی بر تغییر این مسیر دیده نمی‌شود. تمام شواهد موجود حاکی از آن است که مناسبات خارجی جمهوری اسلامی وارد مرحله جدید و خطرناکی شده است. رویدادهای دو ماه اخیر، با شتاب غیرقابل‌تصور جمهوری اسلامی را به آستانه یک رویارویی بزرگ و تعیین‌کننده نزدیک ساخته است. دولت امریکا و متحدین آن، در حالی که راه نظامی و اعمال قهر را برای حل نهایی این معضل بر روی میز خود پس و پیش می‌کنند، اما عجلتاً تحریم‌های جدی و فلج‌کننده‌ای را علیه رژیم در دستور کار خود قرار داده‌اند تا در اثر یک رشته فشارهای شدید و بی‌سابقه اقتصادی و سیاسی، جمهوری اسلامی را بیش از پیش به انزوا و انفراد سوق دهند و

در عین حال، به تدریج زمینه اقدامات نظامی را در افکار عمومی جهان فراهم سازند. آن‌ها در عین آنکه راه حل نظامی را روی میز خود گذاشته‌اند، اما ترجیح می‌دهند جمهوری اسلامی، با تحریم‌ها و فشارهای جدید دست‌های خود را به علامت تسلیم بالا ببرد.

اینکه اما ارتجاع اسلامی در برابر ارتجاع امپریالیستی دست‌هایش را به علامت تسلیم بالا ببرد، احتمالش بسیار ضعیف است. چرا که عقب نشینی و تسلیم جمهوری اسلامی معنای دیگری جز نابودی آن ندارد. اگر چه خامنه‌ای به سکوت خویش در مورد تحریم‌های جدید ادامه داده است، اما تصویب قانون کاهش رابطه با انگلیس در حد "کاردار" در مجلس شورای اسلامی و سپس اشغال سفارت بریتانیا که حتا دولتهای روسیه و چین هم نمی‌توانند آن را محکوم نکنند، بیان مؤثر موضع خامنه‌ای و به عبارت دیگر موضع جمهوری اسلامی است که نه فقط هیچ نشانی از عقب نشینی در آن دیده نمی‌شود، بلکه بیان آشکار تمایل شدید رژیم برای تقابل نیز هست.

به دنبال حمله برنامه ریزی شده به سفارت بریتانیا در تهران، بلافاصله شورای امنیت این اقدام را محکوم نمود. بریتانیا سفارت جمهوری اسلامی را تعطیل و از کارکنان آن خواست ظرف ۴۸ ساعت خاک این کشور را ترک کنند. آلمان و فرانسه نیز سفرای خود را از تهران فراخواندند. اقدام اخیر جمهوری اسلامی، تنش در مناسبات خارجی رژیم را وارد مرحله حادثی ساخت. این اقدام نیز نشان داد که ارتجاع اسلامی مانند ارتجاع امپریالیستی بی‌میل به جنگ افروزی و ماجراجویی نیست و در برابر تهدیدات و اقدامات امریکا و اتحادیه اروپا به تهدیدات و اقدامات متقابل می‌پردازد. این تقابل اما معنای دیگری جز اجرای تحریم‌های فلج‌کننده، جز قطع منبع اصلی مالی و تغذیه جمهوری اسلامی و جز تضعیف و فلج شدن سیستم حاکم نیست. این تقابل، معنای دیگری جز گذار تنش‌های کنونی به مرحله‌ای حادثی و بالاتر و بروز جنگ نخواهد داشت.

این جنگ اما جنگی است که قدرت‌های امپریالیستی و استعمارگر، به خاطر تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود آن را برمی‌افروزند! جنگی است که طبقه سرمایه‌دار و مرتجعین حاکم بر ایران برای تأمین منافع و مقاصد توسعه طلبانه خود آن را برمی‌افروزند. این جنگ، جنگی است که هیچ ربطی به کارگران ایران و کارگران سایر کشورهای درگیر آن ندارد. جنگی است که جز بدبختی، کشتار و تباهی و ویرانی، هیچ ثمره دیگری برای زحمتکشان و کارگران استثمار شده نخواهد داشت و در یک کلام جنگی است که کلی ارتجاعی که از هم اکنون باید به آن و برافروزدگانش نه گفت و علیه آن به مبارزه برخاست!

کار شماره ۶۱۰ - سال سی و سوم - نیمه اول آذر [قوس] ۹۰

سازمان فدائیان (اقلیت)